



دانشگاه پیام نور

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد در رشته الهیات فقه و مبانی حقوق اسلامی

موضوع

بررسی مبانی فقهی قانون مطبوعات و امنیت کشور

استاد راهنما

دکتر عابدین مومنی

استاد مشاور

دکتر محمدصادق غلام جمشیدی

دانشجو

محمد مسن صفری

زمستان 1390

فهرست

1.....چکیده

بخش اول : امنیت

2..... جایگاه امنیت در جامعه انسانی

5..... 1- نظریه های امنیت

7..... نظریه های خشونت و شورش

9..... نظریه آنومی

9..... نظریه خرده فرهنگ

10..... نظریه نابرابری اجتماعی

11..... نظریه نوسازی

12..... نظریه اعتراض

13..... نظریه جنبش های اجتماعی

14..... نظریه تغییر اجتماعی

15..... نظریه انگیزش امنیت

15..... نظریه های مرتبط با تعاملات قومیت و امنیت

18..... نظریه غفلت از وجود و نا امنی انسان

19..... جهانی شدن و امنیت

21..... نظریه بحران ها و نظریه کارکرد گرای ساختاری

23..... امنیت و شکاف های سیاسی

2- امنیت در جامعه اسلامی

27..... مفهوم امنیت

28..... معنای لغوی

28..... معنای اصطلاحی

3- امنیت از نظر فقه اسلامی

36..... مقوله های امنیت در جامعه اسلامی

36..... امنیت فردی

43..... امنیت گروهی

46..... امنیت ملی

ضمانت اجرای امنیت در جامعه اسلامی (مصدقی)

51..... بغی

52..... تعریف لغوی

53..... تعریف اصطلاحی و شرایط در مذاهب اسلامی

53.....تعریف بغی در فقه امامیه

55.....تحقق جرم بغی در زمان غیبت

55.....تعریف بغی در فقه عامه

55.....مذهب حنفی

57.....مذهب شافعی

59.....مذهب مالکی

60.....مذهب حنبلی

60.....مذهب ظاهریه و زیدیه

62..... 4- ابعاد امنیت

62.....امنیت فردی

64.....امنیت اجتماعی

65.....امنیت ملی

67.....امنیت سیاسی

70.....امنیت فرهنگی

73.....امنیت اقتصادی

75.....امنیت حقوقی و قضایی

77.....امنیت زیست محیطی

78.....بخش دوم : مطبوعات

78.....	1 - مفهوم
78.....	مفهوم لغوی مطبوعات
80.....	مفهوم عام و خاص
81.....	مفهوم مضیق و موسع
82.....	مفهوم مطبوعات در قانون
89.....	2 - ماهیت و کارکرد مطبوعات
89.....	ماهیت
90.....	مطبوعات به عنوان محصول صنعتی
91.....	مطبوعات به عنوان خدمت اجتماعی
93.....	نقش و کارکرد مطبوعات
99.....	ماهیت و کارکرد مطبوعات از دیدگاه امام خمینی (ره)
105.....	3 - آزادی مطبوعات در فقه اسلامی
105.....	مفهوم آزادی
106.....	مفهوم آزادی بیان
109.....	جامعه آزادی بیان در اسلام
114.....	ادله آزادی بیان در اسلام
115.....	آیات
117.....	روایات

120.....	سیره پیامبر (ص) و ائمه اطهار
124.....	امر به معروف و نهی از منکر
134.....	تعلیم و تربیت
157.....	تکلیف الهی (حق الهی)
164.....	آزادی مطبوعات از دیدگاه امام خمینی (ره)
169.....	بخش سوم : مؤلفه های امنیت در قانون مطبوعات
169.....	1 - موارد حفظ امنیت فردی در قانون مطبوعات
169.....	هتک حرمت اشخاص
170.....	توهین
171.....	مصادیق توهین
171.....	هجو
174.....	هجر ، سب
179.....	رکن روانی توهین
180.....	تهدید از طریق مطبوعات
186.....	تهدید به هتک شرف یا حیثیت
188.....	تهدید به افشای اسرار
192.....	تجاوز به حریم مالکیت فکری (سرقت ادبی)
193.....	اقوال فقها درباره تجاوز به مالکیت فکری

193.....	قول به عدم پذیرش مالکیت فکری
194.....	پذیرش مالکیت فکری به عنوان حکم اولی
195.....	پذیرش مالکیت فکری به عنوان حکم ثانوی
196.....	ادله مخالفان جرم انگاری درباره تعدی به مالکیت فکری
197.....	ادله موافقان جرم انگاری درباره تعدی به مالکیت فکری
198.....	قاعده لا ضرر
198.....	قاعده تسلیط
198.....	ارتکاز عقلا
204.....	2- موارد حفظ امنیت گروهی در قانون مطبوعات
204.....	انتشار اسناد دولتی و مذاکرات جلسات غیر علنی
207.....	انتشار اسناد محرمانه دولتی و نظامی
212.....	انتشار مطالب و تصاویر خلاف عفت عمومی
218.....	توهین به مقدسات و مقامات
219.....	توهین منجر به ارتداد
220.....	توهین منجر به سب النبی
221.....	توهین موجب تعزیر
222.....	توهین به مقامات
226.....	3- موارد حفظ امنیت ملی در قانون مطبوعات

226..... تحريك و تشويق به ارتكاب جرايم عليه امنيت کشور

231..... تبليغ عليه نظام جمهورى اسلامى و نشر مطالب الحادى به نفع مخالفان

235..... تحريك به عداوتهاى نژادى و اختلاف انگيزى

238..... نتیجه

245.....Abstract

246..... منابع و مأخذ

تقدیر و تشکر فراوان دارم از:

تامی بزرگوارانی که در محضرشان علم آموختم به ویژه اساتید کرامی جناب

آقای دکتر علیدین مومنی و جناب آقای دکتر محمد صادق غلام جمشیدی که با

راهنمایی‌های پی‌درپی ایشان مسیر پیمان بر من هموار شد.

چکیده

مبانی فقهی قانون مطبوعات و امنیت کشور از موضوعاتی بود که پیش از این در پایان نامه‌های دانشجویی تحقیق نشده بود و اینجانب علاقه مند شدم این زمینه اقدام کنم بنابراین باروش کتابخانه‌ای، مطالعات گسترده‌ای را حدود ۱۵ ماه انجام دادم و با مراجعات متعدد به کتابخانه‌های ملی ایران و سایر کتابخانه‌های معتبر تهران و اصفهان نکته برداری نمودم تا به یاری خدا رساله‌ی حاضر در سه بخش آماده گردید.

بخش اول در مورد امنیت و جایگاه آن در جامعه‌ی انسانی و نیز در جامعه‌ی اسلامی و امنیت از منظر فقه اسلامی و ابعاد مختلف آن بررسی شد.

در بخش دوم موضوع مطبوعات از نظر مفهوم، بایست و کارکرد و نیز آزادی مطبوعات در فقه اسلامی تحقیق شد و در بخش سوم مؤلفه‌های امنیت در قانون مطبوعات از جمله حفظ امنیت فردی، گروهی، ملی مورد بررسی کامل قرار گرفت و در پایان نتیجه‌ی تحقیق مکتوب گردید.

چون قانون مطبوعات در موارد و بندهای متعددی نوشته شده است موارد انطباق یا غیر منطبق بودن آن با مبانی فقهی نیز در مورد هر ماده‌ای نوشته شده بنابراین نمیتوان نتیجه‌گیری جامع اما مختصر داشت لذا خواننده‌ی محترم باید همه‌ی آن‌ها را مطالعه فرماید ولی به طور خلاصه می‌توان اذعان نمود که در برخی موارد و بندها انطباق کامل بین قانون و مبانی فقهی وجود دارد و در مواردی نیز انتقادی بر آن‌ها وارد است که سعی کردیم آن‌ها را بیان و پیشنهادهای خود را نیز اعلام داریم.

بخش اول : امنیت

جایگاه امنیت در جامعه انسانی:

بشر در آغازین روزهای حیات خویش وقتی با «تجاوز» «تعرض» و تهدیدات طبیعی مواجه شد، به فکر «امنیت» و «آرامش» افتاد و به همین جهت در جستجوی مأوایی بود تا از گزند این تهدیدات در امان ماند و به همین دلیل در غارها سکنی گزید اما باز این غارنشینی چاره کار نبود زیرا حمله گروهی حیوانات عظیم الجثه در برابر فرد غارنشین چندان پرثمر نبود و آنچه که مسلم بود در برابر تهاجم دسته جمعی حیوانات یک گونه از «امنیت دسته جمعی» را نیز می طلبید پس گرد هم آمدند.

گویند مردی به نام ادریس به آنها آموخت که در یکجا گرد هم آیند تا «امنیت دسته جمعی» فراهم آید. که این یکجانشینی را بعدها «آبادی» یا «شهر» نامیدند.

مدتی در امنیت و آسایش بودند تا آنکه «میال انسانی» در میان آنها رخنه کرد و جامعه کوچک بشری را به سمت «ناامنی» کشانید آنچه مسلم بود در پرتو تقسیم کار و پیچیدگی و پیشرفت مسائل اقتصادی در جامعه انسانی انسانهایی ظهور کردند که امنیت و آسایش جمعی و فردی را به مخاطره انداختند و خویش را مرجع همگان می دانستند. بنابراین همین مسائل انسانها دچار اختلاف گردیده و نسل بشر در سراشیبی قرار گرفت. پس باید «طراحی نو» در انداخته می شد و تداوم نسل آنها را تضمین می کرد.

بی شک طرح نو برای امنیت «تشکیل حکومت» و تعیین قانون بود.¹

در متون مقدس گفته شده است «یزد تعالی به یاری بشریت شتافت و اولین حکومت نیز توسط فرستاده او حضرت نوح (ع) بر کره خاکی برای تأمین امنیت جامعه فراهم شد و شریعت او نیز اولین ابزار تأمین امنیت بود.²

علاوه بر این، پراکندگی بشر بر کره خاکی و ایجاد مناطقی بنام «کشور» مسأله‌ای بنام «امنیت خارجی» و «امنیت داخلی» را به وجود آورد. این روایت از اهالی ماد چگونگی این امر را به ما نشان می دهد.

«یکی از اهالی خردمند ماد (به نام دیوکس (Diokes) پسر فرورتیش (phruortes) را هوای تحصیل اقتدار و سلطنت در سر افتاد. پس برای ارضای جاه‌طلبی خود نقشه‌هایی طراحی کرد.

در آن روزگار مادها در دهات پراکنده و فاقد هرگونه حکومت مرکزی بودند و در نتیجه بی‌قانونی در سراسر خاک آنها رواج داشت. دیوکس که یکی از مردان برجسته روزگار خویش و معتقد به این اصل بود که بین ظلم و داد مبارزه‌ای همیشگی و ابدی وجود دارد با جدیتی هر چه تمام‌تر به اجرای عدالت روی آورد. مردم که فضل و برتری او را مشاهده کردند وی را به عنوان «داور» اختلافات خود برگزیدند. او که از یک طرف به عدالت معتقد و از سوی دیگر طالب کسب قدرت بود در نظر هموطنان از چنان اعتباری برخوردار شد که توجه ساکنان سایر دهات را نیز به خود جلب کرد بدین ترتیب مراجعان به دیوکس روز به

1- سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج 2 ص 202
2- احمد جهان بزرگی، اصول سیاست و حکومت - صص 69-33

روز افزون شد. پس از چندی دیوکس اظهار داشت که دیگر به شکایات رسیدگی نخواهد کرد زیرا انجام این کار او را از پرداختن به کارهای شخصی باز می‌دارد با انجام این کار، دزدی و تبهکاری از سر گرفته شد و حتی شدت و شیوه‌ی بیش از پیش یافت، مادها گردهم آمده آهنگ آن کرده که برای سامان بخشی به کار ملک، پادشاهی برگزینند و به اتفاق نظر دادند که تصدی این مقام کسی جز دیوکس نباشد او با شروطی پذیرفت و مردم با همت او شهر اکباتان را بنا نهادند. پس از دیوکس، فرورتیش که همانم نیای خویش بود به پادشاهی ماد رسید. (655 ق.م) وی وارث سلطنت و قلمرو وسیعی گردید که از همدان تا بخش خاوری دماوند و کناره‌های کویر کشیده می‌شود مقارن تاجگذاری فرورتیش، سکاتیان در حوالی دریاچه ارومیه و پارسی‌ها نیز در جنوب شرقی آن دریاچه زندگی می‌کردند.

فرورتیش پارسی‌ها را کاملاً فرمانبردار خود ساخت و با «کمیریان» و «هانتائیان» طرح دوستی و اتحاد ریخت و سیاست پدر خویش در حفظ رابطه دوستانه با دولت آشور را دنبال کرد، هر ساله مالیات مقرر را به «آشور بنی پال پادشاه آشور می‌پرداخت» فرعونیان که مدت هزار سال در سرزمین مصر حکومت می‌کردند به تعامل با دیگر کشورها می‌پرداختند تا در پرتو آن مقوله‌ای به نام «امنیت ملی» را فراهم کنند.

امپراطوری‌های هخامنشی، رومی و ساسانی نیز با تمهیدات فراوان، تامین امنیت ملی را جزء اهداف، منافع و ارزش‌های بنیادین جامعه قرار داده بودند و سعی و تلاش فراوانی جهت تامین امنیت داخلی خود می‌کردند.¹

آنچه مسلم است در تفکر خداوندان اندیشه سیاسی همچون افلاطون و هرودت هدف پیدایش حکومت را تامین امنیت ملی در پرتو قدرت نظامی و پاسداری از جان و مال شهروندان در برابر تهاجمات تلقی می‌کردند.¹ هرودت معتقد بود که هرگاه کشور قدرتمندی مایل به تغییر رفتار کشور دیگری بود، فقط به قدرت نظامی متوسل می‌شد و در نهایت آن کشور را به تصرف خود درمی‌آورد.²

بر این اساس «حفظ آمادگی نظام» مشتمل بر یک برنامه دراز مدت استراتژیکی و دفاع به منظور مقابله با خطر احتمالی، نگهداری و آموزش نیروی نظامی، برنامه‌ریزی برای هماهنگی بین افراد نظامی و غیرنظامی برای شرایط بحرانی و جنگی و ایجاد آمادگی روحی در روم به طرق مختلف از جمله تبلیغات در کانون ترتیبات امنیتی قرار می‌گرفت.

نظریه‌های امنیت:

مقوله «امنیت» چه از حیث تاریخی و چه از حیث نظری، قدمتی به وسعت تاریخ بشر دارد. از نظر تبارشناسی، مفهوم امنیت دارای قدمتی طولانی‌تر از مفهوم «اجتماع» و «جامعه» است، اما نخستین مباحث فلسفی و سیاسی مربوطه را در آثار افلاطون به تأکید، «عدالت» را به عنوان بنیادی‌ترین وسیله و ابزار حکومتی جهت نیل به امنیت معرفی کرده‌اند. به عبارت دیگر، امنیت از اهداف حکومت و علت وجودی یک حکومت، برقراری امنیت است. چند قرن بعد، نظریه‌پردازان عصر روشنگری، از جمله هابز، لاک، روسو و منتسکیو، منزلتی

1 - مایکل ب. فاستر، خداوندان اندیشه سیاسی ج 1 - صص 72-89

رفیع تر برای امنیت قایل شدند. هابز «شرایط طبیعی» را شرایط ناامنی، و «شرایط اجتماعی» را شرایط امنیت برشمارد. جان لاک با رویکردی فراگیرتر اذعان می‌دارد:

«مقصود از صلح و امنیت تنها آن نیست که زنده بمانیم بلکه منظور دستیابی به رفاه، آسایش و ایجاد تسهیلات مشخص است که حق طبیعی ما است.»

از سویی به عقیده منتسکیو، چون امنیت نتیجه صلح و صلح اولین قانون طبیعت است، لذا بزرگ‌ترین اصول در حکومت، ایجاد امنیت است، و مقصود از امنیت، تنها حفظ حیات نیست، بلکه تأمین آزادی است. ژان ژاک روسو با توجه به نقش تعیین‌کننده «اعتماد» به مقوله امنیت می‌نگریست.¹

مفهوم امنیت در بعد عملی و نظری به تدریج و به ویژه در نیمه دوم قرن بیستم به بعد، توسعه و تحول بیشتری یافته و دارای ابعاد تازه‌ای شده است. امروزه امنیت در توسعه و نه در اسلحه جست‌وجو می‌شود و در کنار امنیت نظامی، به توسعه انسانی هم پرداخته‌اند. در مطالعات اخیر، بسیاری از تکنیک‌های مدرن علوم اجتماعی مانند نظریه بازی‌ها، شبیه‌سازی، نظریه اطلاعات، تجزیه و تحلیل داده-بازده و تحلیل سیستم‌ها برای حل مشکلات مربوط به وجوه تأمین امنیت ملی به کار برده شده‌اند و مفاهیم متعددی از اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و انسان‌شناسی به منظور تعریف و تشریح مسائل امنیتی به کار رفته‌اند. لذا بسیاری از نظریه‌های پیرامون امنیت ریشه در بسیاری از علوم پیش گفته دارند و با انبوهی از اصطلاحات و موضوعات مطروحه در این علوم ارتباط و تعامل آشکار یافته‌اند. بدین ترتیب ریشه بسیاری از نظریه‌های

1- ر.ک: مجموعه مقالات همایش توسعه و امنیت عمومی، ج 1، ص 324، ج 2، صص 55، 274، 552.

مرتبط با امنیت دارای جوانب اقتصادی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، حقوقی و ... است که در اینجا از باب اختصار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

1- نظریه‌های خشونت و شورش

یکی از عوامل ایجاد کننده نا امنی، خشونت سیاسی در کلیه اشکال آن است. خشونت سیاسی به تمامی حملات فراگیری اطلاق می‌شود که در درون یک اجتماع سیاسی علیه رژیم سیاسی، بازیگران آن - شامل گروه‌های سیاسی رقیب و صاحبان مناصب - یا سیاست‌ها صورت می‌گیرد. این مفهوم نمایانگر مجموعه‌ای از حوادث است که وجه مشترک تمامی آن‌ها استفاده واقعی از خشونت یا تهدید به کاربرد آن است. اما این تبیین به این خصیصه محدود نمی‌شود. مفهوم خشونت سیاسی شامل انقلاب و نیز جنگ‌های چریکی، کودتاها، طغیان‌ها و شورش‌ها می‌شود. از لحاظ نظری، تمامی این اعمال به دو معنا تهدیدی را متوجه نظام سیاسی می‌سازند: آن‌ها انحصار قدرتی را که در نظریه‌های سیاسی به دولت واگذار شده به چالش می‌کشند؛ و از نظر کارکردی در فرایندهای عادی سیاسی اختلال ایجاد می‌کنند و در حالت شدیدتر آن‌ها را نابود می‌سازند. تد رابرت گر¹ در کتاب معروف چرا انسان‌ها شورش می‌کنند بر این باور است که خشونت سیاسی در تاریخ بیشتر جوامع سیاسی سازمان یافته گهگاه به وقوع پیوسته و در تاریخ بسیاری از آن‌ها امری مزمین است. هیچ نسلی در هیچ کشوری از جهان مدرن از آن رهایی نداشته است. اما خشونت، تجلی اجتناب‌ناپذیر سرشت بشر و پیامد غیرقابل اجتناب وجود جامعه سیاسی نیست و در واقع نوع خاصی از پاسخ

1 - Ted Robert Gurr.

به شرایط خاص حیات اجتماعی است. به نظر می‌رسد که قابلیت خشونت - اما نه نیاز به آن - به لحاظ زیستی در ذات انسان نهفته است. گرایش به خشونت جمعی بستگی به آن دارد که جوامع تا چه میزان انتظارات برخاسته از اجتماع را درباره ابزار و اهداف کنش انسانی نادیده بگیرند. این گرایش به خشونت یعنی نارضایتی را می‌توان با القاء نگرش‌های اجتماعی که خشونت را محکوم می‌کند تعدیل کرد. در مقابل، آموزه‌ها و تجربیاتی که خشونت را موجه و سودمند جلوه می‌دهند، باعث تسهیل توسل به خشونت می‌شوند و آن را به نظام سیاسی معطوف می‌کنند. در هر جامعه سیاسی، امکان بروز خشونت داخلی وجود دارد. اما این امر بیشتر در جوامعی به وقوع می‌پیوندد که برای حفظ نظم به جای تأمین الگوهای مناسب برای اقدام در جهت تأمین ارزش‌ها بر اجبار تکیه می‌کنند. اگر معتقد است استفاده از اجبار برای هر هدف جمعی باعث دشمن‌تراشی می‌شود و مقاومت کسانی را که اجبار در مورد آن‌ها اعمال می‌گردد افزایش می‌دهد. این اصلی است که در مورد نخبگان سیاسی و مخالفانشان به یک میزان صادق است. برعکس؛ اگر مردم نارضایتی ابزاری برای کسب اهداف اجتماعی و مادی خود در اختیار داشته باشند و یا آن را به دست آورند، تعداد اندکی از آن‌ها به خشونت متوسل خواهند شد. تنها انسان‌های خشمگین ممکن است علی‌رغم در دسترس بودن ابزارهای غیر خشونت‌آمیز مؤثر برای ارضای انتظاراتشان، خشونت را ترجیح دهند.¹

نظریه‌های خشونت و انقلاب تدرابرت‌گر را مکمل نظریه دیویس دانسته‌اند. دیویس با دیدگاه اقتصادی محض، محرومیت نسبی را عامل بروز انقلاب‌ها معرفی می‌کند ولی گامی به پیش‌نهاد و انتظارات فزاینده

1- تدرابرت‌گر، چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، صص 456-455

انسان‌ها را - حتی در وضعیت فقدان محرومیت واقعی - عاملی در بروز خشونت‌ها می‌شناسد و بدین گونه نظریه وی وارد حوزه روان‌شناسی اجتماعی می‌شود.

شایان ذکر است که اگرچه اشکال مختلف بروز خشونت سیاسی دارای تمایزها و تنوع‌های خاص خویش هستند ولی محصول همه آن‌ها، ناامنی و بی‌ثباتی و رفعشان موجد امنیت و ثبات است. برخی از نظریه‌های موجد خشونت و شورش به شرح ذیل است:

1-1- نظریه آنومی

تئوری آنومی از جانب امیل دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی ارائه شده است. آنومی حالت بی‌هنجاری¹ است که در آن نظم‌های اجتماعی از هم گسیخته می‌گردند و نفوذ نظارت‌کننده جامعه بر گرایش‌های فردی، کارایی خود را از دست می‌دهد. در حقیقت آنومی به وضعیتی در جامعه اشاره دارد که با فقدان نظم و هماهنگی در روابط همراه است. از لحاظ دورکیم برخی از شرایط موجود آنومی عبارتند از: تغییرات جمعیتی و افزایش سریع شدید حجم و تراکم جمعیت، بی‌سازمانی اجتماعی حاصل از شهرنشینی افسار گسیخته شهرهای بزرگ، عدم تعادل در ساختار جمعیت از نظر سن و جنس به دلیل پدیده‌هایی مانند مهاجرت، توسعه سریع وسایل حمل و نقل و وسایل ارتباط جمعی و عدم همپایی و تغییر فرهنگ غیرمادی با تغییرات سریع فرهنگ مادی، به نظر دورکیم این پدیده‌ها باعث بی‌سازمانی اجتماعی و بروز مشکلات در حیات جمعی و در نهایت منجر به پدیده آنومی و بروز ناهنجاری‌ها و خشونت می‌گردند.

1 - Narmlesness.

2-1- نظریه خرده فرهنگ

از این دیدگاه گرایش‌های ضد اجتماعی و خشونت‌گرا و هنجارستیز در بین خرده فرهنگ‌ها بیشتر است. بر این مبنای، خرده فرهنگ شامل مجموعه‌ای از افراد دارای خصوصیات مشترک است که در نهادها و سازمان‌های اجتماعی - که انعکاسی از خصوصیات و ویژگی‌های مشترک آن‌ها است - عضویت دارند و از مجموعه ارزش‌های معینی پیروی کرده و دارای یک شیوه زندگی مشترک می‌باشند.

بر اساس این تئوری، بعضی از خرده فرهنگ‌ها تمایل بیشتری به خشونت و گرایش‌های ضد اجتماعی از خود نشان می‌دهند. چون این خرده فرهنگ‌ها خشونت را به عنوان یک ابزار اعتراض پذیرفته و آن را به عنوان یک ارزش مطرح و تشویق می‌کنند. این خرده فرهنگ‌ها با کشور، منطقه، جنسیت، نوع طبقه اجتماعی، قومیت یا نژاد ارتباط دارند. ثابت شده است که مناطق حاشیه‌نشین و مهاجرت‌پذیر و فقیرنشین، بدلیل عدم برخورداری از شرایط مناسب از حیث امنیت، آموزش، بهداشت، خلق‌الساعه بودن، ضعف هویت اجتماعی و کنترل‌های رسمی، و با برخورداری از خرده فرهنگ متعدد گرایش‌های ضد اجتماعی و پرخاشگری بیشتری دارند. از صاحبان این نظریه می‌توان به فیشر و بلو اشاره کرد.

3-1- نظریه نابرابری اجتماعی

تقریباً در تمام نظریه‌های اجتماعی، نابرابری و کاهش در نرخ رشد و استاندارد زندگی علل محوری خشونت و شورش به شمار می‌آیند. این رابطه علی غالباً بر اساس محرومیت نسبی توضیح داده می‌شود. اکثر جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر مانند دوک، کربو، کندی، بوسون، شوارتز، لندن، رابینسون و ... به نحوی

به آثار نابرابری‌های اجتماعی، به ویژه نابرابری در توزیع ثروت مادی توجه کرده‌اند. مهمترین اثر بالقوه نابرابری ثروت که بیشتر نظریه‌ها به آن توجه دارند، مهمترین اثر بالقوه نابرابری ثروت که بیشتر نظریه‌ها به آن توجه دارند، خشونت و شورش است. تفاوت عمده دیدگاه‌ها بیشتر در مورد ساز و کارهای بینایی ما بین نابرابری و خشونت و نوع تأثیرگذاری آن‌ها بر هم است. نابرابری‌ها که محصول ضعف عدالت توزیعی است، تبدیل به منبع تضادها، تعارض‌ها و شکاف‌های شدید اقتصادی و اجتماعی گشته و تبعیض مزبور در توزیع منزلت و درآمد، پاداش‌ها، کنترل‌های اجتماعی و روابط بینایی افراد جامع را سست کرده و جامعه را به سوی ناامنی و خشونت سوق می‌دهد.

4-1- نظریه نوسازی

ساموئل هانتینگتون معتقد است رابطه ظاهری فقر و واپس ماندگی با بی‌ثباتی و خشونت؛ یک رابطه کاذب است. این، نه فقدان نوسازی، بلکه کوشش در جهت نوسازی است که نابسامانی سیاسی را به بار می‌آورد. اگر کشورهای فقیر بی‌ثبات به نظر می‌آیند، برای فقرشان نیست، بلکه برای آن است که می‌کوشند ثروتمند شوند. در نیمه سده بیستم جوامع سنتی، همگی انتقالی یا دستخوش خودسازی بوده‌اند. رواج نوسازی در سراسر جهان، خشونت را در عالم رواج داده است. به نظر هانتینگتون در جامعه در حال نوسازی؛ آغازگران ناآرامی‌ها و شورش‌ها، حاشیه‌نشینان که بیشتر مهاجر هستند آمادگی شرکت در جنبش‌های اجتماعی و رفتار اعتراض‌آمیز را دارند؛ همچنان که در طبقه متوسط، دانشجویان هستند که به دلیل آشنایی بیشتر با جهان نوین و مقایسه اوضاع کشورشان با ملل پیشرفته و آمادگی جدایی از الگوها و رفتارها سنتی و با آرزوی بازسازی